

معرفی خلاصه اشعار وزیده الافکار (با تأکید بر سخنوران یزد)

حسین مسرت^۱

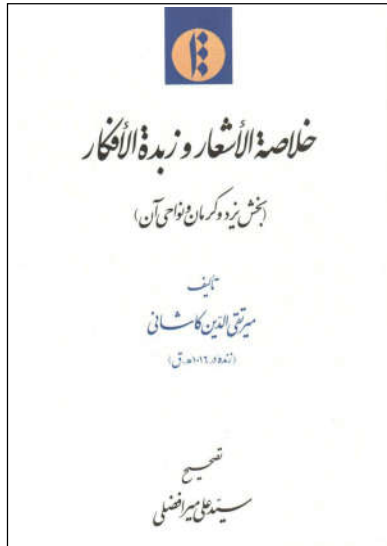
چکیده

گزارش کوتاهی از "تذکره خلاصه اشعار" اثر میر تقی الدین محمد کاشانی (۵۶۹-۴۲۰۱ ق) است. نویسنده مقاله شاعران و سخنوران یزدی موجود در تذکره را بررسی و از قلت آنها (۳۱ نفر) تعجب نموده و با برشمردن اسامی ۷۶ تن از شاعران آن دوره، این سوال را مطرح کرده که آیا کاشانی از دیگر شاعران یزدی آگاهی نداشته، یا بر پایه ذوق شعری خود آن ها را به کناری نهاده است؟ وی در ادامه به برخی کم و کاستی های تصحیح تذکره حاضر اشاره کرده است.

کلیدواژه ها

کاشانی، میر محمدتقی؛ شاعران فارسی زبان قرن ۱۱-۱۰؛ خلاصه اشعار وزیده الافکار؛ شاعران و سخنوران یزد.

۱. پژوهشگر در حوزه نسخ خطی و تصحیح متون کهن.



تذکره خلاصه الاشعار که در ردیف جامع‌ترین و بزرگترین تذکره شاعران زبان فارسی از آغاز تا سده دوازدهم است، در یک مقدمه، چهار فصل، چهار رکن، یک خاتمه و یک ذیل فراهم گشته است. بخش خاتمه (پایانی) بر پایه دوازده دفتر است که دفتر هشتم ویژه سخنوران یزد و کرمان و نواحی آن حتی تا هندوستان (!)، شامل زندگی و اشعار سی و پنج شاعر است که اکنون به همت سخنور و پژوهشگر معاصر کرمان، آقای سید علی میرافضلی

با وسواسی در خور که از ایشان انتظار می‌رود، در دسترس اهل ادب قرار گرفته است.

بخش پایانی این تذکره، ویژه سخنوران همگام گردآورنده است که یا خود دیده یا آگاهی از زندگانی آن‌ها کسب کرده است. میر تقی الدین محمد کاشانی، متخلص به ذکری و مشهور به میر تذکره چنانکه آمده است، گویا در سال ۹۵۶ ق در کاشان به دنیا آمد، سپس به اصفهان و همدان رفته و گویا بین سال‌های ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ ق در گذشته است. بر پایه آگاهی‌هایی که همگان می‌دانند، گرد آوردن شرح حال و نمونه آثار ۲۴۷ تن سخنور پیشین و ۴۴۰ سخنور همگام (در بدرقه بخش اصفهان، تعداد شاعران معاصر ۳۸۵ نفر آمده است و در دیباچه خلاصه الاشعار، تصحیح بیگ بابا پور به نقل از کتاب میر تذکره، تعداد شاعران ۸۶۷ نفر است. اما در دیباچه آقای میرافضلی ۶۸۷ نفر آمده است.) در آن روزگار که منابع و مآخذ کم، و راه‌ها بسیار دور و ارتباطات بسیار دشوار بود، کاری در حد شگفتی است. هرچند می‌توان دیوان‌ها، جنگ‌ها، سفینه‌ها و تذکره‌های پیشین را دستمایه نگارش او در گزارش زندگی سخنوران کهن دانست. اما گزارش زندگی، آثار و بویژه اشعار سخنوران معاصر، کاری است کارستان که اگر چنین همتی مصروف نمی‌گشت، چه بسا از برخی از این شاعران نه حتی بیتی و یا نامی در دست نبود.

چنانچه در دیباچه کتاب به خامه آقای میرافضلی آمده، کاشانی حدود چهل سال از عمر خود را بر سر تدوین این تذکره نهاده است و گویا بخش هشتم را در بین سال‌های ۹۸۱ تا ۱۰۱۳ ق نگاشته است. اما نخستین تلاش‌ها را از سال ۹۷۵ یا ۹۷۷ ق انجام داده و بر اثر گذشت زمان، گزارش‌ها را کامل می‌کرده که از بخت خوش، دفتر هشتم کامل‌ترین دفتر این تذکره جامع است. بیشترین حجم اشعار این دفتر را شعرهای وحشی بافقی، شاعر نامی یزد در عصر صفوی تشکیل می‌دهد (۱۷۲۱ بیت) که با توجه به اینکه از منابع دست اول و همزمان درباره این شاعر است، بی‌گمان می‌تواند در تصحیح دیوان جامع وحشی بافقی که شوربختانه تاکنون تصحیح جامعی بر پایه نسخه‌های معتبر موجود انجام نشده، مورد نظر قرار بگیرد.

چون بی‌گمان دیگر نویسندگان کتاب‌های تاریخ ادبی ایران بویژه در کتاب‌های مرجع، مانند تاریخ تذکره‌های ایران، از جمله: تاریخ تذکره‌های فارسی، اثر استاد احمد گلچین معانی (ج ۱: ۵۲۴-۵۶۳) در باره اهمیت تذکره، شیوه‌های نگارش، سبک تقی الدین کاشانی در زمینه گردآوری زندگی‌نامه‌ها و اشعار و نیز نام سخنوران مندرج در آن سخن گفته‌اند و پیش از این نیز خانم نفیسه ایرانی، کتابی را با عنوان میر تذکره درباره او نگاشته و به طور جامع به آن پرداخته شده است، نگارنده این سطور بواسطه علاقه‌ای که به زاد و بوم خود یزد دارد، به بررسی سخنوران یزدی درج شده در بخش هشتم می‌پردازد. (هرچند که خود نیز نیمه کرمانی بوده و مادری از دیار شهر بابک کرمان دارد.) بحث درباره نقد اشعار سخنوران یزد را به مجال دیگر محوّل می‌کند.

کاشانی در این کتاب به گزارش زندگی و اشعار سیزده سخنور یزدی پرداخته که با وحشی بافقی آغاز شده و به فسونی یزدی پایان می‌پذیرد (وی پنج شاعر زواره و اردستان را هم در ردیف شعرای دارالعباده یزد آورده است). آیا در این بازه زمانی چهل ساله گردآوری تذکره (۹۷۵ تا ۱۰۱۶ ق) که کاشانی دست اندرکار آن بوده، فقط سیزده سخنور نامی در یزد می‌زیسته‌اند؟ مسلماً نه زیرا بنابر مندرجات دیگر تذکره‌های عصری دوره صفوی مانند: تذکره نصرآبادی، اثر محمد طاهر نصرآبادی؛ ریاض الشعراء، اثر علی قلی خان واله داغستانی؛





عرفات العاشقین، اثر تقی الدّین اوحدی بلیانی؛ هفت اقلیم، اثر امین احمد رازی و تحفه سامی، اثر سام میرزا صفوی، بیش از سی سخنور نامی در این دیار شهره بوده‌اند (هرچند در کتاب تذکره شعرای یزد اثر عباس فتوحی یزدی این تعداد به ۱۱۲ شاعر می‌رسد). آیا کاشانی از دیگران آگاهی نداشته یا داشته و بر پایه ذوق شعری خود آن‌ها را به کناری نهاده است؟

در این تذکره تنها اشاره به سیزده سخنور یزد به نام‌های: وحشی بافقی، قسم بیگ قسمی افشار، عرشی، مؤمن حسین، میرنجدی، زمانی، عبدی، کاسب، شاه حسین کامی، میرزبانی، غوّاصی، شمس الدّین حالی، و فسونی شده است و نام‌هایی چون: ملاّ علیرضا تجلی اردکانی، ملاّ افضل همّتی بافقی، ملاّ صنع الله بافقی، ملاّ قاضی بافقی، نجاتی بافقی، شرف الدین علی بافقی، قاضی میرحسین میبدی ونیز: میر اجری، امینا، ملاّ حسین علی، حیدردرویش، حیدرقلی بیگ، زکیا، ملاّ زمانی، سالک، سعیدا، میرصوتی، مولانا عبدالغفور، عزمی، میرعیسی، محمّد امین وقاری، مولانا محمّد باقر، محمّد باقر، میرزامحمّد صفی، میر محمّد مؤمن، میرمعزالدّین محمّد، ناظم و میرهمام، همه با پسوند یزدی (در تذکره نصرآبادی) و مولانا آگهی، مولانا آهنگ، ملاّ ابراهیم حسین، میرابوسادات، ملاّ اختری، مولانا امنی، مولانا بلبللی، مولانا پیروی، رفیعی، مولانا سروری، شریف، ملاّ شوقی، صالح صلحی، مولانا طالعی، میرعارف، شاه عبدالعلی، عشرتی، ملک عطّار، میرعلا، مولانا عیانی، آقا عیسی، غنی، میرغیاث الدّین محمّد میرمیران، خواجه غیاث الدّین نقشبند، میرغیاث الدّین، فیضی، قاسم علی حکاک، مولانا قدرتی، مولانا قطب، قلی رامی، مولانا کسوتی، محسن خلقی، مولانا مسعود واعظ یزدی، مولانا معجزی، میرمؤمن قنادی، خواجه میرک معین، ندایی معرّف، میروزیری و مولانا یاری، همه با پسوند یزدی (در عرفات العاشقین) از قلم افتاده است.

نکته‌ای که مناسبت دارد در پایان یادآور شود این است:

آقای میرافضلی که در نکته سنجی و شعر شناسی ایشان شگّی نیست، با اینکه در دیباچه به طور کامل به بیان نسخه‌های مورد تصحیح پرداخته است و کم و کاستی‌های هر یک را

گوشزد کرده است، اما در متن، هیچ نشانی از این اختلاف‌ها به چشم نمی‌خورد و کوشنده بنابر روش تصحیح قیاسی آن را سامان داده است و بر خلاف شیوه معمول تصحیح که مورد نظر بزرگانی چون: استاد دکتر شفیعی کدکنی و دیگر کوشندگان معاصر است، از ذکر این اختلاف‌ها در پاورقی خوداری کرده و تنها نوشته است: می‌توان آن را ویرایش نهایی این بخش تلقی کرد. (ص یازده) چه بسا ذکر این اختلاف‌ها که به نظر برخی برای عامه کتابخوان سودمند نیست، می‌توانست برای پژوهشگران در اشعار سخنوران، بویژه سخنوران معاصر سودمند باشد، زیرا دیده شده که باره این سیزده تن سخنور یزدی، تنها عرفات العاشقین، هفت اقلیم و تا اندازه‌ای تحفه سامی، ذکری از اشعار آن‌ها شده و بیان این اختلافات در رسیدن به متن نهایی اشعار در مقابله به آن چند تذکره، یاور خوبی بود.

نکته‌ای دیگر که از قلم کوشنده افتاده و بنا به دلایلی که در دیباچه هم تا اندازه‌ای بدان اشاره کرده که چرا انجام نداده است، توضیحات اعلام انسانی و جغرافیایی، واژه‌های دشوار متن و بررسی و مطابقت اشعار مندرج در این کتاب با دیگر تذکره‌ها درباره درستی یا نادرستی انتساب آن به دیگر شاعران است؛ زیرا این شیوه پسندیده در دیگر آثار تصحیحی کوشنده به چشم می‌خورد.

به هر روی، نگارنده برای مصحح کوشای آن و نیز ناشر آن، مرکز پژوهشی میراث مکتوب که در این خشک سالی‌های اخیر کارهای پژوهشی با جدیت و سعی خستگی ناپذیر آقای دکتر اکبر ایرانی و دیگر همکاران اهل فن و قلم آن، هم چنان پیگیر نشر و چاپ متون ارزشمند هستند، آرزوی توفیق دارد.



۱. اوحدی بلیانی، تقی الدین محمّد: عرفات العاشقین وعرصات العارفين، به کوشش: ذبیح الله صاحبکاري وآمنه فخر احمد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ج ۸.
۲. تقی الدین کاشانی، محمدبن علی: خلاصه الاشعار و زبدة الافکار (بخش اصفهان)، به کوشش: عبدالعلی ادیب برومند و محمّدحسین نصیری کهنمویی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
۳. _____: خلاصه الاشعار و زبدة الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)، به کوشش: علی میرافضلی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۵.
۴. _____: خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، به کوشش: یوسف بیگ باباپور و حمیده حجازی، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۳، ج ۱.
۵. فتوحی یزدی، عباس: تذکره شعرای یزد: یزد: اندیشمندان یزد، ویرایش سوم، ۱۳۸۲.
۶. گلچین معانی، احمد: تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران: سنایی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۷. نصرآبادی، محمّد طاهر: تذکره نصرآبادی، به کوشش: احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۷۹.

